

ضرورت رفتار مناسب با دانش آموزان بیش فعال

الهه ایزد بخش

مدیر دبستان دخترانه آسیه، سبزوار

در بسیاری از مدارس عادی دانش آموزانی دیده می‌شوند که دارای نوعی اختلالات رفتاری نظری نقص توجه همراه با بیش فعالی، عدم قانون پذیری و تبعیت و تطبیق با محیط و قوانین مدرسه می‌باشند. این اختلال که عمده‌تاً ناشی از تحرک پذیری زیاد دانش آموز است و فعالیت زیاد جسمی او را همراه دارد، اگر به درستی شناخته و درمان نشود، علاوه بر عدم یادگیری صحیح وی، می‌تواند همکلاسی‌ها و کادر آموزشی را درگیر خود کند و موجب بروز مشکل در روند اجرای صحیح مقررات گردد. پس دانستیم که بیش فعالی حالتی است که در آن کودک به نحوی مفرط و بیش از اندازه فعال و پر جنب و جوش است. تحرک زیاد این کودکان نه تنها خود آن‌ها را بلکه اطرافیان، همکلاسی‌ها و اولیای مدرسه را دچار مشکل می‌کند. بدین منظور در این تحقیق سعی شد تا با توجه به حساسیت دوره آموزش ابتدایی در شکل گیری شخصیت فرد، دانش آموز با مشخصه بارز رفتاری بیش فعالی انتخاب شود و زیر نظر قرار گیرد.

نرگس، در سال ۱۳۸۷، دانش آموز پایه اول ابتدایی مدرسه مابود. وی سال قبل در مدرسه دیگری بود و چون مردود شده بود او را در مدرسه ما ثبت‌نام کرده بودند. دختری بود که بدلیل بیش فعالی، مشکلاتی را برای همسالاتش در مدرسه ایجاد می‌کرد و من باید برای او که هر روز همراه نماینده کلاس و شکایات پی‌درپی معلم و دیگر همکلاسانش راهی دفتر مدرسه می‌شد و از او گله‌مند بودند فکری می‌کردم. نرگس تکالیف خود را انجام نمی‌داد، دفتر مشق دوستش را پاره با



**مادر وی بعد از
چندین جلسه
بالاخره موضوع
بیماری صرع
دخترش را که
تا پیش از این
مخفي می کرد،
طرح نمود**

خط خطی می کرد، به تذکرات معلم بی توجه بود، غیبت های مکرر و تأخیر های روزانه داشت و ... از سوی دیگر مادرش نیز از اذیت های مکرر نرگس در خانه ناراحت بود: دعوا با بچه های همسایه، انجام ندادن تکالیف مدرسه، امتناع از آمدن به مدرسه، این شد که من با همکاری معاونان مدرسه و معلم کلاس اول و مادر نرگس برای رفع مشکل او به فکر افادیم و برای حل آن به چاره جویی برخاستیم. ما می خواستیم بدانیم آیا می توان شرایطی را برای نرگس فراهم کرد تا بتواند با داشتن آرامش، رفتارش را کنترل کند و توجه خود را به یک موضوع خاص معطوف نماید؟ بدین منظور در صدد جمع آوری اطلاعات برآمدیم و از همه افرادی که به گونه ای از وضعیت موجود «نرگس» آگاهی داشتند کمک خواستیم. این افراد عبارت بودند از:

۱. معلم کلاس اول؛
۲. دانش آموزان کلاس اول؛
۳. خانواده نرگس؛
۴. کارشناس هسته مشاوره؛
۵. پزشک معالج.

ضمنا از معاونین مدرسه خواستیم رفتار او را در خارج کلاس مشاهده کنند و به ما گزارش بدهند. با معلم و مدرسه قبلي وی تماس برقرار نموده و آنان نیز عنوان نمودند که نرگس غیرقابل تحمل است و به هیچ صراط مستقیم هدایت نمی شود و به هیچ وجه قابل اصلاح و ماندگار در مدرسه نیست! چندین بار با خانواده نرگس تماس گرفتم. چندین بار آن ها را خواستم و در رابطه با این مشکل با آن ها صحبت کردم و هر بار به علل مسئله نزدیک تر شدم. مادر وی بعد از چندین جلسه بالاخره موضوع بیماری صرع دخترش را که تا پیش از این مخفی می کرد، مطرح نمود و گفت که او زیر نظر پزشک است و دارو مصرف می کند. مادر نرگس علت کتمان این موضوع را ترس خود از ثبت نام نکردن نرگس در مدرسه می عنوان کرد. بنابراین، توسط مادر، با پزشک معالج صحبت کردم و پی گیر مسئله شدم. از پزشک تقاضا کردم با فعالیت هایمان همسو شود تا در نهایت به هدف اصلی مان که همان بهبود

وضعیت بیش فعالی نرگس بود برسیم. همچنین با مشورت و نظرخواهی از همکاران تصمیم گرفته شد تا ارتباطی نیز با هسته مشاوره داشته باشیم. پرسش و پاسخ از شاگردان کلاس اول، مصاحبه با خانواده و معلم وی در مورد وضعیت درسی و تحقیق درباره وضعیت او در کلاس و مدرسه قبلی و مشاهده رفتار او در زنگ تفریح و همچنین کلیه داده های بدهست آمده یادداشت شد و همه بیانگر این بود که بسیاری از عوامل ناخواسته و حرکت های منفی، ت晤 با هم، باعث اختلال و تغییر در رفتار و تحرک پذیری نرگس شده است. در نهایت جلسه ای با معلم کلاس اول و معاونین و خانواده وی برگزار کرد و پس از گفت و گو و هماهنگ قرار شد:

۱. به گریه های نرگس زیاد اهمیت ندهیم و اجازه ندهیم از این پس مادر وی، که با اصرار نرگس در بعضی مواقع در کلاس حضور می یافتد به این کار ادامه دهد.

۲. به او در حد تعادل اهمیت دهیم به شرطی که برای دانش آموزان دیگر کلاس محل نباشد؛ مثلا با دادن مسئولیت به او برای آوردن وسایل از دفتر مدرسه به کلاس درس، تا از این طریق نحوه ارتباطش با دیگران افزایش یابد. به طور کلی، در مورد او عطفت و محبت راه همراه با جدیت و اجرای مقررات مدرسه به کار ببریم.

- معلم با دفتر مدرسه هماهنگ، و نظارت شود مبادا نرگس هنگام بیرون رفتن از کلاس به بهانه آب خوردن یا دستشویی از مدرسه خارج شود.

- همه ملزم شویم به مراقبت رفتار نرگس در ساعت تفریح، مبادا به دیگر دانش آموزان صدمه ای بزنند یا موجب بروز حادثه ای شود.

- با پدر و مادر نرگس در نحوه رفتار با او هماهنگ شویم.

- مادر نرگس او را ۵ دقیقه دیرتر از دیگر شاگردان به مدرسه بیاورد و ۵ دقیقه زودتر به خانه ببرد تا برخورد او با دانش آموزان در رفت و آمد کم شود؛ تا عادی شدن رفتار وی.

اسلام بیش از هر چیز به تشویق توجه دارد. ابوعلی سینا ضمن بیان خصوصیات یک معلم

می‌گوید: «بایدگاهی دانشآموز را تشویق و زمانی او را تهدید نماید...».

ما از هفته دوم راه حل را شروع کردیم. خودم، بهمنظور آگاهی بیشتر و کنترل بهتر نرگس و به بهانه خسته نیاشید گفتن به معلم و بچه‌ها وارد کلاس شدم و مانند دیگر دانشآموزان جایی را پیدا کردم و نشستم. سعی نمودم نقش یک دانشآموز را بازی نمایم.

آن روز، جشن درس آب در کلاس برگزار بود. از معلم خواستم به نرگس بگوید شکلات‌ها را بین بچه‌ها پخش کند. معلم شان نیز همکاری کرد و نرگس شکلات‌ها را توزیع کرد. در عین اینکه پرسش و پاسخ کلاس در مورد فواید آب برگزار بود من نیز از خانم معلم اجازه گرفتم تا قسمتی از فواید آب را بیان کنم. بچه‌ها از اجازه من به

خنده افتادند ولی خانم معلم گفت: «بچه‌ها اجازه بدھید که خانم مدیر نیز فواید آب را بگوید». بعد از من نرگس نیز فواید آب را گفت. او که همیشه خوراکی‌های بچه‌ها را برمی‌داشت؛ حالا خودش بین آن‌ها خوراکی توزیع می‌کرد؛ و او که هرگز در بحث‌های کلاسی شرکت نداشت حالا خود در تدریس مشارکت داشت. این اولین بارقه‌امید ما بود که دیدیم نرگس از ماندن در کلاس لذت می‌برد. من کتاب داستانی را که با خود به کلاس آورده بودم در جمع دانشآموزان به نرگس هدیه دادم و برق شادی را در چشمان زیبای او دیدم.

کم کم ارتباط من با نرگس آقدر قوی شد که صبح‌ها، در بدو ورود به مدرسه اولین سؤالی که می‌کرد این بود: خانم مدیر کجاست؟ سراغ مرا می‌گرفت و تابا هم سلام و احوال پرسی نمی‌کردیم به کلاس نمی‌رفت. به تدریج در مراسم صحیح‌گاهی با همکاری معاون پرورشی از وجود نرگس در قرائت قرآن و گفتن شعارها نیز بهره بردیم. البته برای اینکه نرگس بدعاودت نشود و دیگر دانشآموزان احساس حسادت نکند این کار را نوبتی و بهصورت زمان‌بندی برگزار می‌کردیم. من، در ساعت تفریح، با شرکت خود و نرگس در بازی‌های گروهی دانشآموزان تلاش کردم علاوه بر نظارت و کنترل، ارتباط عاطفی او را

با همکلاسی‌هایش بیشتر کنم تا به این ترتیب نرگس دوستان زیادی پیدا کند. در نهایت به آنجا رسیدیم که، با توجه به نظرخواهی از معلم، معاونین و همکلاسی‌های نرگس و خانواده او، همگی متفق القول شدند که نرگس از بهترین دانشآموزان این مدرسه شده و نه تنها از مدرسه‌گریزی و اذیت و آزارهای او خبری نیست بلکه علاقه وافری هم به مدرسه و کلاس نشان می‌دهد. از آن پس او پا همراهی چند نفر از همکلاسی‌هایش که اتفاقاً از همسایگانشان بودند؛ به مدرسه می‌آمد. در ساعات تفریح نیز با یکی دو نفر از دوستانش همیشه همراه بود و جالب اینکه بعضی موقع نیز آن‌ها را دعوت به کیک و آبمیوه از فروشگاه مدرسه می‌کرد و خوراکی‌های خود را نیز با دوستان صمیمی خود تقسیم می‌نمود.

با نظارت صحیح بر حسن اجرای تصمیمات اتخاذ شده و با یک اهرم سه گانه نظارتی (خانواده، آموزگار، مدیر و معاونین مدرسه) مشکل نرگس تا حد زیادی برطرف شد و او علاوه بر قانون‌پذیری، به تعاملی سازنده و نزدیک با همکلاسی‌ها و قادر آموزشی مدرسه رسید. ارتباط یک هنر است که اگر همراه با احترام و با استفاده از کلمات عاطفی باشد، تذکرات مورد پذیرش شنونده قرار می‌گیرد. برای بیان انتظارات خوبیش می‌توانیم با صوتی نرم و با کلماتی متناسب با قدرت تفکر و درک دانشآموزان رفتار کنیم. ایجاد امنیت روانی- جسمی، که با پذیرش مسئولیت‌های گوناگون و اعتماد به دیگران و افزایش قدرت فرد در تصمیم‌گیری برای سرنوشت خوبیش می‌تواند به وجود بیاید، پاسخ‌گویی به پرسش‌های دانشآموزان و احتساب از واکنش‌های تند و منفی در مقابل سوالات بی‌حد و مرز آنان، جلوگیری از افراط و تغییر در رفتارهای عاطفی و رعایت تعادل روانی و تقسیم مهربانی برای بین دانشآموزان، افزایش علاقه و انگیزه با تشویق به موقع در فراغیران، راهنمایی صحیح و مستمر؛ همه می‌تواند زمینه‌ساز تعديل و ایجاد رفتار صحیح در دانشآموزان مشکل دار شود.

با نظارت صحیح بر حسن اجرای تصمیمات اتخاذ شده و با یک اهرم سه گانه نظارتی (خانواده، آموزگار، مدیر و معاونین مدرسه) مشکل نرگس تا حد زیادی برطرف شد